



۳۰

گلستان هنر

آقا نجف اصفهانی

اکرم احمدی توانا

پیش از هر چیز:

هرچند اسناد ناکافی و مخدوش همواره عدم قطعیت را در نوشتن درباره‌ی گذشتگان تشدید می‌کنند، اما از انگیزه‌ها برای ساخت یک روایت لغزان نمی‌کاهند و نوشتن درباره‌ی نقاشان ایران یکی از نمایش‌های حداکثری آن است. تاریخ نقاشی ایران سرشار از نقاطی تاریک و مبهم درباره‌ی نقاشانی است که به فراخور شرایط کار اغلب بدون نام و امضا، بدون حواشی و احتمالاً بدون ادعا، خود را تنها بخشی از یک کل دریافته بودند و با گذشت زمان بلعیده و آرام‌آرام هضم شدند. آقا نجف اصفهانی یکی از آنها است و به گواه تصاویر این متن - که احتمالاً همه‌ی آثارش را در بر نمی‌گیرد - نقاش پُر کار و کاربلدی بوده. با آن که آثار زیادی با تاریخ و امضا او باقی مانده و اطلاعاتی کم‌نظیر از فعالیت‌های نیاکان و فرزندان هنرمندش در اصفهان به دست آمده، اما همچنان زندگی هنری او سرشار از ابهام است.

آقا نجف بیشتر به دلیل نقاشی‌های زیرلاکی‌اش شناخته می‌شود، اما اولین انگیزه‌ی شکل گرفتن این متن نقاشی‌های او در یک نسخه‌ی خطی شاهنامه بود که شاید ناآشناترین اثرش باشد. در آثار این مجموعه تنوع تکنیک و موضوعات کاری هنرمند عیان می‌شود. اما آنچه که اندیشیدن به کارنامه‌ی آقا نجف را ضروری جلوه می‌دهد اهمیت او در مسیر تاریخ نقاشی ایران به دلیل یک دستاورد مهم است. آقا نجف بخشی از یک جریان افتان و خیزان بود که سنت‌های هنری ایران را به ویژگی‌های وارداتی هنر از شرق و غرب پیوند داد، و نتیجه‌ی آن را در بازار و رابطه‌ای تنگاتنگ با سلیقه‌ی عموم به آزمون گذاشت و اتفاقاً نتیجه گرفت. اما نتیجه‌ی این سنتز بیشتر بصری با وجود نتایج بلافاصله، حالا و از پس سال‌ها قابل بررسی و قضاوت است.

همان طور که از لقب آقا نجف پیداست اهل اصفهان بوده و احتمالاً تمام و یا دست کم بیشتر عمر را در همین شهر به سر برد. تاریخ تولد و وفات او در منابع دست اول یافت نشد. اساساً سوال اینجاست که دقت این اعداد چرا باید اهمیت داشته باشد؟ دستاورد این پژوهش درباره‌ی اطلاعات تاریخی زندگی آقا نجف تردید و عدم قطعیت است. گمان نخست این بود که چنانچه سال دقیق آثار و فراز و فرود زندگی هنری او مشخص شوند می‌توان برای دهه‌های تولد و مرگ به گمانه‌زنی اکتفا کرد. اما پس از به دست آمدن جدول زمانی آثار تاریخی‌دار مسئله‌ی تازه‌ای پدیدار شد. دهه‌های بدون اثر در سال‌هایی که منطقاً هنرمند در اوج پختگی و مهارت بوده عجیب است. به این ترتیب مجموعه‌ای از اطلاعات گاه متناقض که لزوماً یکدیگر را تأیید نمی‌کنند این متن را به سوی مطرح کردن پرسش‌هایی سوق داد تا شاید روزی کسی با دسترسی به اسناد دقیق‌تر به تدریج پاسخ‌ها را بیابد. همانطور که در زمان نوشتن این متن، آثاری از او در

موزه‌ها، حراج‌ها و مجموعه‌های متفاوت یافت شدند که پیش از این در جایی ثبت و ضبط نشده بودند، بنابراین احتمال کشف آثار تازه منتفی نیست. یافتن شواهد، اسناد و یا آثار تازه می‌تواند در آینده این متن را تکمیل و یا چه بسا شاید شیرازه‌ی ادعاهای آن را از هم بپاشد. به این ترتیب این متن ورود به مسیری طولانی برای شناخت آثار و احوال آقا نجف اصفهانی است.

طبقه‌بندی کلی آثار در گام نخست بر اساس مدیوم و سپس موضوع است و طبیعتاً روش شمایل‌شناسی پانوفسکی برای تحلیل آنها بسیار کارآمد افتاده. در نتیجه این متن خط سیر تاریخی ندارد و تنها به ضرورت به تقدم و تأخر آثار اشاره می‌شود. از آنجایی که آقا نجف به عنوان یک هنرمند در مسیر تاریخ هنر ایران و در تعامل با دیگر هنرمندان و همین طور زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مورد توجه است، نظریه‌های دیگری نظیر مطالعات فرهنگی - که به تأثیر و اهمیت بافتار در خلق و دریافت اثر هنری می‌پردازند - راهگشا بودند. علاوه بر این‌ها تحلیل فرمالیستی خصوصاً برای تدقیق در شیوه‌ی کار او و انتساب‌ها ضروری بود. البته شیوه‌ی بررسی کارها در این متن خود طنز تلخی است که دسترسی به آثار تنها از طریق تصویر فراهم شد و نگارنده هیچ اثری را از نزدیک مشاهده و مطالعه نکرده. تلخ‌تر آنجاست که گاهی اسناد مرجع تنها یک وجه اثر را شامل می‌شوند و یا این که کیفیت بسیار پایینی دارند. به این ترتیب بررسی سبک‌شناختی و کشف ویژگی‌های اثر تا حدی و آن هم به لطایف الحیلی ممکن شد که از خطا مصون نیست.

این کتاب حاصل نمی‌شد مگر به همراهی دوستانی که تنها می‌توانم قدردانشان باشم. پیش از همه مشوق نوشتن این متن دکتر علی‌اصغر میرزایی‌مهر بودند که کلامی برای سپاسگزاری از ایشان ندارم. دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی در خواندن برخی از نوشته‌ها همراهی کردند. خانم‌ها رکسان زند، فتانه الماسی، پوران‌دخت شمعی، مهتا باصفا و آقای کیانوش معتقدی در یافتن آثار و دسترسی به تصاویر قابل چاپ یاری رساندند. همچنین قدردان همراهی دوستانه‌ی خانم الیکا جلیلی از موزه‌ی تاریخی شهر برن سوئیس هستم. دوستان موزه‌ی ملی ملک، گروه پژوهشی موزه‌ی ملی ایران و موزه‌ی هنرهای تزئینی اصفهان در ارائه‌ی تصاویر همکار بودند. و همین طور آثاری که به نحوی به حراج ساتبیز مربوط بودند بسیار سریع و ساده به دستم رسیدند. از این پس نگاه تیزبین خوانندگان مطلع است که این پژوهش را تصحیح و تکمیل خواهد کرد.

The Life and Artworks of Aqa Najaf Isfahani

Najaf Ali, Najaf Ali Isfahani or Aqa Najaf Isfahani, is a distinguished painter with the title “Naghsh Bashi” who lived and worked in the Qajar period in the city of Isfahan and signed most of his art-works as “Ya Shah-e Najaf”. He is the son of Mohammad Baqer – one of the prominent painters of the Zand and Qajar periods – whose ancestor was Ali Quli Jebadar – the famous painter from the Safavid period. His children, Mohammad Kazem, Mohammad Jafar, Shahr Banoo (Safihe Khanoom), Ahmad, Mohammad Ali and some of their children turned to painting as the family custom, and to this day, work as traditional artists in Isfahan. The year of Aqa Najaf’s birth and death has not been mentioned in sources, but according to the oldest and the most recently found signed artworks, which are two pen boxes (qalamdan) dated 1225 A.H./ 1810 A.D. and 1291 A.H./ 1874 A.D. it can be assumed that Aqa Najaf lived in the nineteenth century.

With an artist family, there is a certainty that his father, Mohammad Bagher was his first teacher. However, according to historical reports, he had directly learned from Aqa Sadeq, and his imitations of the elders’ works, especially Mohammad Zaman, can be considered indirect discipleship. Although he is mostly known for his lacquers, there is an illustrated manuscript of Shahnameh with his signature, which is his lesser-known or unknown work. The quantity and quality of his lacquer paintings, including pen box and mirror case, are so important that they revolutionized lacquer painting. The subject matters of the remaining pen boxes of Aqa Najaf include: Christian stories, women, Theosophical topics, hunting, war, flower and birds and rural scenery. The illustrated manuscript of Shahnameh titled “Aqa Najaf Shahnameh”, with 1042 pages is kept in the Royal Library of Golestan Palace in Tehran and has 41 illustrations, two of which are signed by Agha Najaf and are undated. There are no court scenes and most of the images

in this manuscript refer to war and death. It must be noted that foreign threats, internal unrest, and rivals of Fath Ali Shah had made the situation in Iran tense during the years of Aqa Najaf's life. Therefore, he makes his personal narrative of Ferdowsi's *Shahnameh*.

Common visual features such as similar composition, likeness in the main character's gesture and design, color scheme, coloring method, and the execution style can be seen in all of his works. In most pen boxes, a few particular kinds of animals are present in defined places. The dark back-grounds with bright and colorful elements alongside high contrast shading give a congruent appearance to these lacquer objects. Aqa Najaf adored portrait painting. In a chronological study of his artworks, it is clear that with the passage of time and gaining more experience, the precision of execution and desire to show more details has increased in his works, especially in portraits.

It is impossible to know Aqa Najaf's artworks independently from his children and pupils, known today as the "Najaf Circle of Artists". This is the only way to understand why there are multiple similar works in his career. Recurrent paintings of a subject matter, leading to repeated imagery, in addition to some found sketches, reveal a factory mechanism that shows the prosperity of Aqa Najaf's Studio. Hence, his signature represents his circle and not necessarily his own work. On the one hand, the customers' demand and, on the other hand, the ease of work influenced and increased production speed and, as a result, further commission and income were tempting. Aqa Najaf is one of the artists who, affected by the change of art patronage in Iran's history, gave up court support and turned to wealthy people in the Bazar. This situation placed him and many others in a historical position to demonstrate a side of Iran's visual culture that could never appear in court workshops.

Aqa Najaf Isfahani

Akram Ahmadi Tavana

آقا نجف اصفهانی نقاش دوره‌ی قاجار و فرزند محمد باقر است و نسبش به علی‌قلی بیگ جبادار از نقاشان دوره‌ی صفوی می‌رسد. او احتمالاً در دهه‌ی نخست سده سیزدهم یا به جهان گذاشته و در آغاز دهه‌ی نود چشم از جهان بسته است. آقا نجف بیشتر به دلیل نقاشی‌های زیرلاکی‌اش (قلمدان و قاب آینه) شناخته می‌شود، اما یک نسخه‌ی خطی مصور شاهنامه نیز با امضای او باقی مانده است. تعدد آثار کاملاً مشابه در کارنامه‌ی هنری آقا نجف در کنار برخی پیش‌طرح‌های یافت شده سازوکاری کارخانه‌ای را برملا می‌کند که نشان از رونق کارگاه آقا نجف دارد. کارگاهی متشکل از اعضای خانواده و شاگردان که امروزه به حلقه‌ی آقا نجف شهرت دارد.

Aqa Najaf Isfahani is a painter who lived and worked in the Qajar period. He is the son of Mohammad Baqer whose ancestor was Ali Quli Jebadar – the famous painter from the Safavid period. It is assumed that Aqa Najaf lived in the nineteenth century. Aqa Najaf is mostly known for his lacquers (including pen box and mirror case), but there is also an illustrated manuscript of Shahnameh with his signature. Recurrent paintings of a subject matter leading to repeated imagery, in addition to some found sketches, reveal a factory mechanism that shows the prosperity of Aqa Najaf's Studio. The studio includes his children and pupils, known today as the "Najaf Circle of Artists".

(پیکره)



9 786229 274651

قیمت ۳۰۰۰۰ تومان